

عوامل مؤثر بر چگونگی اجرای قوانین کیفری توسط پلیس

تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۱/۴

حمید جربانی^۱

دکتر محمد فرجیها^۲

صالح عبدی نژاد^۳

سودابه عزیزی^۴

چکیده

پلیس به عنوان مجری قوانین کیفری، مسئولیت انجام اولین مرحله از برخورد دستگاه کیفری با بزه دیده را بر عهده دارد. بی گمان اجرای قوانین کیفری در همه زمان ها و مکان ها به صورت کامل انجام نمی گیرد. ماموران پلیس با توجه به علل گوناگون از قبیل امکانات، تجهیزات، فرهنگ حاکم بر سازمان های پلیسی و فرهنگ جامعه، اولویت بندی اجرای مأموریت ها، تقدم مسائل کلان بر مسائل جزئی و مصلحت اندیشی و غیره سعی دارند تا قوانین کیفری را آن گونه که مدنظر مقنن است به اجرا درآورند. با این همه یک سلسله عوامل سازمانی و برون سازمانی مانع از اجرای کامل قوانین کیفری می شود که در نتیجه بحث اجرای ناقص^۵ قوانین کیفری مطرح می شود. هرچند نباید از عدم اجرای^۶ قوانین در برخی موارد دیگر غافل شد که در این نوشتار به بررسی برخی از آنها خواهیم پرداخت. این مقاله با روش کتابخانه ای و روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. نظرات، عقاید و مفاهیم مرتبط در این مورد براساس منابع جدید، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. اعمال قوانین کیفری توسط پلیس یکی از پیچیده ترین فرآیندهای اجرای قوانین در دستگاه عدالت کیفری است که تحت تاثیر عوامل و شرایط و اوضاع و احوال گوناگون ممکن است به شکل های مختلف صورت بگیرد. شیوه هایی که گاه مورد نظر مقنن و برنامه ریزان و مسئولان پلیس نیست؛ اما در عمل اجرای قوانین کیفری به آن شیوه ها صورت می گیرد. نتایج حاصل از این تحقیق می تواند ما را متوجه این نکته سازد که اجرای تمام قوانین کیفری آن گونه که مورد نظر واضعین قوانین است بنا به دلایل گوناگون امکان پذیر نیست. بنابراین ماموران پلیس در جهت اجرای قوانین کیفری نمی توانند شیوه اجرای کامل قوانین را در همه موارد به کار بگیرند و به ناگزیر، آگاهانه یا ناآگاهانه، در بسیاری از موارد به شیوه های دیگر اجرای قوانین کیفری روی می آورند.

کلید واژه ها: اجرای قوانین کیفری / صلاح دید پلیس / بزه دیدگان / خشونت خانگی / خرده فرهنگ / عدالت کیفری

۱- کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی

۲- استاد یار گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس

۳- کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی

۴- کارشناس علوم انتظامی

5- Inchoate enforcement

6- Non-enforcement

مقدمه

اصولا پس از تهیه و تصویب یک قانون در مراجع صلاحیتدار، (مهم‌ترین بحث، اجرای آن قانون است). قانونی که اگر درست و بدون نقص انجام گیرد هدف و نیت مقنن را برآورده می‌سازد، و مشکلات موجود را مرتفع می‌سازد و از این رهگذر نوعی آرامش و ثبات در جامعه پدید می‌آورد که در اصطلاح به آن احساس امنیت عمومی می‌گویند.

از دیر باز در بسیاری موارد، شیوه اجرای قانون را خود مقنن مشخص می‌کند، به طوری که هیچ‌گونه ابهامی به هنگام اجرای آن قانون برای مجریان باقی نمی‌ماند و آنها می‌توانند بدون هیچ سردرگمی آنچه را که منظور قانونگذار بوده است اجرا کنند و عدالت کیفری را برقرار سازند (راوندی، مرتضی، ۱۳۶۸: ۶۱). اما در مواردی که مقنن، شیوه‌های اجرای قانون را کاملا واضح و روشن و به صراحت بیان نمی‌کند، مراجع صلاحیتدار با تهیه آیین‌نامه‌های اجرایی و در مراحل بعدی با تهیه دستورالعمل‌ها و بخش‌نامه‌های اجرایی، سعی می‌کنند مشکلات مربوط به روشن نبودن شیوه‌های اجرای قوانین کیفری را، برطرف سازند. نکته قابل توجه اینجاست که اگر قانون بدون در نظر گرفتن وضعیت و مقتضیات جامعه و نیز بدون توجه به این که آیا جامعه پذیرای اجرای آن قانون است، تصویب شود و این که آیا مجری قانون توانایی اجرای آن را تحت شرایط خاص دارد یا نه؟ مشکلات یکی پس از دیگری بروز خواهند کرد. نتیجه، چیزی نخواهد بود جز بلا اجر ماندن آن قانون^۱ و یا اجرای آن به صورتهای ناصحیح

۱- به عنوان مثال به استناد قانون منع بکارگیری و استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره، پلیس مسئولیت جمع آوری و برخورد با این جرم را دارد در حالی که هم اکنون با توجه به اینکه اکثر شهروندان از این تجهیزات استفاده می‌نمایند و عرف جامعه این عمل را به عنوان جرم نپذیرفته است،

عوامل مؤثر بر چگونگی اجرای قوانین کیفری توسط پلیس ۱۳۳

وبه صورت مقطعی و سلیقه‌ای خواهد بود که همگی بر خلاف مقصود قانونگذار است و جامعه را از رسیدن به عدالت کیفری محروم خواهد ساخت. از یک سو، اجرای این نوع قوانین و نیز اجرای ناصحیح قوانین دیگر، باعث خواهد شد تا چهره مجریان قانون در جامعه مخدوش شود و به عنوان نماد بی‌عدالتی شناخته شوند و از سوی دیگر، این گونه برداشتهای نادرست شهروندان از مجریان قانون، آنها را نسبت به شغل و حرفه خود بدبین و ناراضی خواهد ساخت و در نهایت این فرآیند با تاثیر منفی جدایی پلیس از جامعه نمایان خواهد شد. زیرا رویکرد پلیس جامعه محور متضمن برقراری رابطه جدید میان پلیس و شهروندان تحت مسئولیت آنان است. این رابطه چنان است که امید به غلبه بر احساس بی‌تفاوتی گسترده مردم نسبت به پلیس را افزایش می‌دهد و در عین حال هرگونه حساسیتی را از بین می‌برد (رابرت ترویانوویچ، بانی باکوروکس، ۲۱: ۱۳۸۳).

بدیهی است قوانین متعددی دارای ماهیت کیفری هستند و با این عنوان بررسی می‌شوند. اما منظور از قوانین کیفری در این تحقیق قوانینی است که به هر شکلی پلیس نقش اساسی در اجرای آن دارد و یا این که قانونگذار قسمتی از اجرای آن را به پلیس محول نموده است مانند دستگیری، بازداشت مظنون^۱، بازرسی و تفتیش و ... در بحث اجرای قوانین توسط مأموران پلیس، در اکثر موارد یک قانون توسط پلیس بنا به وظیفه‌ای که به او محول شده بدون هیچ کم و کاستی اجرا می‌شود. به عنوان مثال، اگر تمام شکایات و مراجعات روزانه به

لذا علی‌رغم اینکه می‌توان مشاهده این تجهیزات توسط پلیس در پشت بام را جرم مشهود نامید، لیکن در عمل برخوردی با این جرم صورت نمی‌گیرد.

۱- منظور از دستگیری متوقف ساختن فرد و لحظه سلب آزادی اوست که به صورت آنی انجام می‌گیرد در حالی که بازداشت یعنی تحت نظر قراردادن فرد به مدت ۲۴ ساعت و یا بیشتر با مجوز مقام قضایی که در محل‌های تعیین شده انجام می‌گیرد.

یک کلانتری و یا پاسگاه ثبت شود، این امر باعث می‌شود که شهروندان نسبت به اجرای قانون احساس تبعیض^۱ نداشته باشند و مطمئن شوند عواملی چون موقعیت اجتماعی و وضعیت اقتصادی افراد، مانع اجرای آن قانون نمی‌شود یا در شیوه اجرای آن تغییر چندانی ایجاد نمی‌کند. لذا اجرای کامل و صحیح قوانین توسط پلیس از جهات گوناگون تحت تاثیر شرایط پیرامون خود قرار می‌گیرد و یا متوقف می‌شود و یا این که تبدیل به شیوه‌ای دیگر می‌گردد که این شرایط می‌توانند اعتقادات و رسوم مردم باشند و یا کمبود امکانات و تجهیزات تخصصی و سازمانی برای اجرای صحیح قوانین کیفی، لذا ضروری است تا این عوامل بیشتر مورد بررسی قرار گیرند.

این مقاله دارای سه گفتار است که در گفتار اول به چالش‌های پلیس در اجرای صحیح قوانین اشاره شده است. در گفتار دوم ابتدا به عوامل تاثیر گذار بر نحوه اعمال قوانین و عوامل درون و برون سازمانی مؤثر بر آن پرداخته شده است و در گفتار سوم هم، محدوده اجرا و عدم اجرای قوانین توسط پلیس مطرح و در پایان نتیجه گیری بحث آورده شده است.

گفتار اول: چالش‌های پلیس در اجرای صحیح قانون

علل و عوامل گوناگونی باعث می‌شوند تا یک قانون به صورت صحیح اجرا نگردد. به عنوان مثال با مراجعات و شکایات شهروندان برخورد منفعلانه می‌شود و در تنظیم پرونده‌ها برخی از نکات اساسی رعایت نمی‌شود. مأمور پلیسی که موظف است اطلاعات کاملی را از مراجعه کننده، اخذ کند و پرونده را،

دقیق تنظیم نماید، پرونده را با سهل انگاری بررسی و تنظیم می کند و باعث اطاله دادرسی در مراحل بعدی به دلیل کمبود اطلاعات و یا نادرست بودن اطلاعات و ... می شود. این عمل هم به نوبه خود منجر به مشکلات و ناملایمات جدیدی برای شاکی (بزه دیده) و عدم جبران به موقع خسارات مادی و معنوی او می گردد (استپن مستروفسکی و وردن روبرت، ۱۹۹۵: ۷۲). این شکل از اجرای قوانین کیفری را در اصطلاح «اجرای ناقص» قوانین کیفری نامیده اند که به هیچ وجه مقصود مقنن و جامعه را برآورده نمی سازد و مانعی در مسیر اجرای عدالت به شمار می رود، ولی نباید آن را تنها به ضعف سیستم پلیس و اجرای قوانین نسبت داد، بلکه علل و عوامل خارج از مجریان قانون هم در اجرای ناقص قوانین کیفری دخیل هستند.

در مقابل مفهوم اجرای کامل و صحیح قوانین کیفری که در طی آن یک قانون بدون عیب و نقص و آنچنان که مورد نظر قانونگذار بوده اجرا می گردد، با مفهوم دیگری سر و کار داریم که در اصطلاح آن را «عدم اجرای قوانین» می نامند و تقریباً نقطه مقابل اجرای قوانین است. در مواقعی پلیس و سایر مجریان دستگاه عدالت کیفری برخی از قوانین کیفری را اجرا نمی کنند و دستگاه قضایی و حتی جامعه هم یا متوجه عدم اجرای آن نمی شود و یا این که علی رغم آگاهی از عدم اجرای آن عکس العملی از خود نشان نمی دهد. در اینجا مسئله عدم اجرای قانون بدون حساسیت و پیگیری مسئولان قضایی و پلیسی باقی می ماند^۱ و سوالات متعددی را به ذهن القا می کند.

۱ - البته در برخی موارد جزئی این رویکرد منتهی به یک نوع جرم زدایی عملی می گردد؛ یعنی قوانینی بدون آنکه از سیاهه جرایم حذف شده باشند عملاً اجرا نمی گردند و این جرم زدایی عملی باعث کم تر شدن بار دستگاه قضایی می شود

گفتار دوم : عوامل تاثیر گذار بر نحوه اعمال قوانین

در مورد عوامل تاثیر گذار بر نحوه اعمال قوانین با دو نوع عوامل سر و کار داریم:

الف: عوامل درون سازمانی پلیس؛

ب: عوامل برون سازمانی پلیس.

به رغم این تفکیک نمی توان مدعی شد این عوامل با هم ارتباط ندارند، بلکه هر کدام از این عوامل تاثیر گذار بر دیگری بوده و نقش تعیین کننده بر میزان تاثیرگذاری عوامل دیگر دارند. زیرا افراد پلیس نیز جزئی از افراد جامعه به حساب آمده و تأثیرپذیر از جامعه هستند. بن ویتیر^۱ می نویسد: اجتماع نقش اصلی را در انحراف ماموران پلیس ایفا می کند، ما انتظار داریم که یک مأمور پلیس در عین حال که انسان است، انسان نباشد! ما او را استخدام می کنیم که قانون را به موقع اجرا بگذارد و در عین حال از او می خواهیم که از آن چشم پبوشد. وقتی که قانون را در مورد ما اجرا می کند او را می رنجانیم. اما وقتی که در جای دیگر از اجرای قانون سرپیچی می کند او را سرزنش می کنیم. ما به او رشوه پیشنهاد می کنیم و در عین حال خبر فساد او را با غلو منتشر می کنیم. ما از او انتظار داریم که عضوی از جامعه باشد. ما آشوب را حتی علیه اجتماع تحسین می کنیم، ولی اعمال زور توسط پلیس را محکوم می کنیم، ما به پلیس حق می دهیم که از اطلاعات عموم مردم استفاده کند ولی کسانی را که به پلیس اطلاع می دهند محکوم می کنیم. مثال بارز این رفتار زمانی اتفاق می افتد که ما به دلیل عدم رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی توسط پلیس جریمه می شویم و به او

1-Ben whittier

اعتراض می‌کنیم، در حالی که همیشه خواهان برخورد پلیس با متخلفان رانندگی هستیم (فینکنر، جیمز ۲۰۰۴: ۶۱).

با توجه به مطالب فوق می‌توان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری عوامل درون سازمانی و برون سازمانی پلیس را بر نحوه اجرای قانون نشان داد، این تحقیق سعی دارد مواردی از علل درون سازمانی تاثیرگذار بر نحوه اجرای قانون توسط پلیس را بررسی کند.

الف: صلاح‌دید پلیس

پلیس برای اجرای قانون دارای قدرت اعمال نظر نسبتاً زیادی است؛ هر چند هر سازمان در هنگام تعیین مأموریت‌ها و سیاست‌ها و رویه‌های انجام کار خود اعمال نظر می‌کند، ولی در سلسله مراتب پایین‌تر هنگام تصمیم‌گیری مثلاً در مورد بازرسی از یک خودرو و یا دستگیری و بازداشت یک نفر در هنگام اجرای قانون تا حدودی اعمال نظر شخصی را هم به کار می‌برد.

اصولاً مأموران پلیس در خصوص اینکه کدام قانون را در چه شرایطی و در مورد چه کسی اجرا کنند، دارای اختیار عمل می‌باشند، هر چند بسیاری از مردم بر این باورند که قانون بایستی به صورت مستمر و در هر موردی اجرا شود؛ لیکن اغلب مأموران پلیس معتقدند که این امر غیر ممکن است (گلدستاین ۲۰۰۲: ۵۳). البته در هر موردی که شهروندان نسبت به آن آگاهی پیدا کرده‌اند و حساسیت نشان داده‌اند اعمال نظر پلیس در آن زمینه محدود شده است به عنوان مثال در ایالات متحده، مجریان قانون به آگاهی فزاینده عمومی از

خطرات نادیده گرفتن رانندگی در حال مستی^۱ پاسخ داده‌اند و ادارات و ماموران پلیس ناچارند قوانین مربوط به رانندگی در حال مستی را دقیقاً اعمال کنند. همچنین این تحقیقات نشان داده است که مردم، دیگر جرائمی را که در میان اعضای خانواده رخ می‌دهد تحمل نمی‌کنند. قوانین مربوط به همسرآزاری و کودک‌آزاری^۲ که زمانی جزء قوانینی بودند که مردم می‌دانستند پلیس آنها را اجرا نمی‌کند یا با تسامح و تساهل برخورد می‌کند اکنون به دقت اجرا می‌شوند.

ب: خرده فرهنگ^۳ حاکم بر سازمان‌های پلیسی

موقعیت و نقش یک مأمور پلیس فراتر از وظایف مقرر و مشخص قانونی او است علاوه بر رویه اداری از قبل مشخص شده‌ای که وظایف و مسئولیت‌های او را تعیین می‌کند؛ یک بعد فرهنگی نسبت به جایگاه پلیس وجود دارد که تأثیر عمیقی بر اجرای قوانین توسط مأمور پلیس می‌گذارد و از این رهگذر تنش‌های لاینفکی بین نقش متصور پلیس از دیدگاه مردم و وظایف و مأموریت‌هایی که قانون به او محول نموده، به وجود می‌آید.

مأموران پلیس موقعیت‌هایی را تجربه می‌کنند که دیگران قادر به درک آنها نیستند، در نتیجه آنها دارای خرده فرهنگی متفاوت از بقیه جامعه می‌شوند. از نظر حقوقی مفهوم خرده فرهنگ عبارت است از: گروه یا گروه‌هایی با فرهنگ

1- Drunken driving

۲- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۹/۲۵ با بالا رفتن حساسیت جامعه نسبت به کودک‌آزاری با ضمانت اجرای نسبتاً شدید (حبس و جزای نقدی) به تصویب رسید و پس از آن قانون مبارزه با قاچاق انسان در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۲۸ به تصویب مجلس رسید تا پاسخگوی مبارزه با این جرم که در اکثر موارد بر علیه کودکان اتفاق می‌افتد می‌گردد.

3. Subculture

متفاوت و کوچک در داخل یک فرهنگ بزرگ تر مثل فرهنگ یک گروه خاص از یک جامعه که با ارزش های حاکم بر کل آن جامعه دارای تفاوت است. (نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، ۱۳۷۷: ۳۱۶) لذا خُرده فرهنگ پلیس به ارزش های حاکم بر سازمان های پلیسی توجه دارد.

قدرت خرده فرهنگ پلیس ناشی از ویژگی های خاص و فشارهای متعارض این شغل است که عبارتند از خطر جسمی مداوم، خصومت علیه پلیس به دلیل نقش کنترل کننده آنان، آسیب پذیری ماموران پلیس نسبت به اتهام تخلف، تقاضاهای نامعقول و انتظارات متعارض و

گفتار سوم: محدوده اجرا و عدم اجرای قانون توسط پلیس

وقتی پلیس و بزه دیده در مرحله ثبت شکایت و شروع تحقیقات مقدماتی با هم مواجه می شوند (براساس شرایط مقرر در قوانین کیفری) دو حالت ممکن است اتفاق بیفتد که بقیه مراحل رسیدگی را هم تحت تاثیر خود قرار دهد:

الف: مأمور پلیس ممکن است شکایت را ثبت نکند و یا تحقیقات مقدماتی را آن گونه که باب میل بزه دیده است، انجام ندهد. و آنچه مهم است این است که این وضعیت ممکن است بر اجرای عدالت و ادامه پیگیری شکایت از طرف بزه دیده تاثیر گذارد (بزه دیده دلسرد شود).

ب: مأمور پلیس ممکن است نتیجه گیری کند که اتهامات مطرح شده از طرف بزه دیده و یا دلایل و مدارک ارائه شده از سوی او، از درجه اعتبار ساقط بوده و یا دارای نواقص اساسی است و به همین دلیل از ادامه پیگیری و ثبت شکایت و انجام تحقیقات مقدماتی صرف نظر کند و یا این که تحقیقات را به شیوه صحیح

و درستی انجام ندهد. همچنین جرایم ممکن است به این علت ثبت نشوند که پلیس آنها را به اندازه کافی جدی تلقی نمی‌کند و یا این که در نهایت افعال گزارش شده را جرم نمی‌داند؛ مانند خشونت‌های خانگی و آزار و اذیت کودکان. ماموران پلیس معمولاً با این دلیل کار خود را توجیه می‌کنند که آن قدر مسایل کوچک و بزرگ و با اهمیت زیاد و همچنین قوانین متنوع برای رسیدگی و اقدام دارند که نمی‌توانند منابع محدود نیروی انسانی و تجهیزات خود را صرف مسایل کم اهمیت و پیش پا افتاده بکنند. در این مورد تنها اقدامی که غالباً صورت می‌گیرد، یادداشت ساده جرم و در نهایت ثبت ناقص آن است. به عنوان مثال در شهرهای بزرگ ایالات متحده مثل نیویورک، گروه کشف سرقت‌های شبانه از مغازه‌ها تنها در صورتی به یک ناحیه و منطقه خاص اختصاص داده می‌شود که گزارش‌ها و شکایت‌ها درباره اموالی باشد که از ارزش چندین هزار دلاری برخوردار باشد. (فینکنر، جیمز، ۲۰۰۴: ۸۶)

دو پژوهشگر کانادایی ادعا کرده اند که قسمت عمده‌ای از شکایت‌های بزه‌دیدگان زنای به عنف در شهر تورنتو، توسط پلیس رسیدگی نشده و پرونده‌ها بایگانی گردیده است. محقق دیگری خاطر نشان می‌کند که پلیس به ۲۲ درصد از تلفن‌های شهروندان ترتیب اثر می‌دهد و در ۱/۴ مواردی هم که پلیس اقدام می‌کند، موضوع از سوی پلیس به عنوان جرم قابل اعتنا مورد ملاحظه قرار نمی‌گیرد (گلدستاین، جوزف، ۲۰۰۲، ۹۵).

همچنین نتایج تحقیقات انجام شده در هندوستان، آشکار کرده است که ۸۲ درصد از زنان از رفتار خشن پلیس با خود ناراضی بودند؛ به این دلیل که پلیس در خصوص اظهارات آنها، در هر موردی چه شکنجه و آزار جنسی یا زنای به

عنف، با شک و تردید برخورد می‌کند (کارن ام، هس، لیندا اس میلر ۱۳۸۲: ۸۳). نتایج این تحقیقات نشان می‌دهند که پلیس بر شکایت‌های خاصی سرپوش می‌گذارد از جمله ضرب و شتم و آزار و اذیت زنان معمولاً توسط پلیس "اتفاقی" در نظر گرفته می‌شوند. شاید مأموران پلیس می‌خواهند از این طریق این جرایم را کم اهمیت جلوه داده، و به آنان ترتیب اثر ندهند.

۳۷ درصد از مراجعه کنندگان به پلیس در هند، ادعا کرده اند که شکایت آنان ثبت و پیگیری نشده است، زیرا شخص متهم قبل از آنها به پلیس مراجعه و توافق کرده به مأموران پلیس کمک مالی نماید؛ یعنی به نوعی رشوه پرداخت کند تا پلیس بر خلاف وظیفه خود اجرای قانون را بر عدم اجرای آن ترجیح دهد. ۲۱ درصد شکایت‌های ثبت شده توسط پلیس هم زمانی بوده است که شاکیان موافقت کرده‌اند، نام بعضی از متهمان را از لیست شکایت خود حذف کنند و یا مطابق خواست مأموران پلیس تغییراتی در نوع شکایتشان ایجاد کنند. در بسیاری مواقع هم اتفاق می‌افتد که به رغم مهیا بودن همه شرایط و آمادگی مأموران پلیس برای پیگیری جرایم، شواهد و ادله برای ادامه بررسی ناکافی است و پلیس هم به دلایل گوناگون، از جمله کمبود نیروی انسانی و سایر دلایل نمی‌تواند شواهد و مدارک کافی و لازم را جمع آوری کند. در حقیقت می‌توان گفت: آن قدر دلایل و شواهد و مدارک ناقص هستند که مأموران پلیس را به پیگیری موضوع قانع نمی‌کند، بلکه در خصوص اهداف مسئله هم به شک می‌اندازد (فرجی ها، ۲۰۰۲: ۱۰۵).

در برخی موارد بزه دیدگان به دلایل گوناگون اصرار و پافشاری در پیگیری و به نتیجه رساندن پرونده‌های مطرح شده ندارند. این دلایل از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است اما به طور عام این دلایل را می‌توان اینگونه برشمرد:

۱- شک و تردید شخص بزه دیده از اینکه پرونده به نتیجه خواهد رسید یا نه؟

۲- جدی و مهم تلقی نشدن جرم از دیدگاه بزه دیده و پلیس؛

۳- عدم وجود منافع مادی و معنوی برای بزه دیده و یا ناچیز بودن آن؛

۴- ترس بزه دیده از اقدامات بعدی متهم یا اطرافیان او؛

۵- گذشت زمان و فراموشی موضوع و ترس از طرح دوباره آن موضوع و احتمال بروز شایعات تازه به گونه‌ای که شخص ترجیح می‌دهد تا موضوع دوباره در اذهان زنده نشود.

۶- احتمال سازش طرفین قبل از انجام اقدامات قانونی، مانند بزه دیدگان خشونت‌های خانوادگی که در اکثر موارد پس از شکایت، با متهمان که شریک زندگیشان است، صلح و سازش می‌کنند.

گاهی این دلایل، به پس گرفتن شکایت توسط بزه دیدگان، منجر می‌شود. مسلم است انصراف از شکایت و مختومه شدن پرونده‌هایی که ماموران پلیس، احتمالاً انرژی زیادی صرف تنظیم دقیق آنها کرده‌اند، تاثیر مخربی بر روی آنان در برخوردهای بعدی با همان جرایم و جرایم مشابه خواهد داشت. همچنین این امر سبب می‌شود تا به تدریج دیدگاه ماموران پلیس و طبقه‌بندی ذهنی آنها از لحاظ اهمیت و نوع جرایم، جرایمی که شکایت‌هایشان پس گرفته می‌شوند، به عنوان

جرایم کم اهمیت تلقی شوند، به نظر می‌رسد خشونت‌های خانوادگی جزء این دسته از جرایم می‌باشند (باکلی، آلن، ۲۰۰۴: ۱۱۱).

از طرف دیگر، پایگاه اجتماعی بزه دیدگان هم در نحوه اجرای قوانین کیفری و اعمال قانون دخالت مستقیم دارد و نقش مؤثری را ایفا می‌کند. به عنوان یک حقیقت، افسران پلیس غالباً متهم می‌شوند که به شکایت‌های طبقه فرودست جامعه و اقلیت‌های قومی، مذهبی و نژادی پاسخ کافی و دقیق نمی‌دهند.

در کشور هندوستان، پاسگاه‌های پلیس در مناطق بزرگ شهری آن گونه با وظایف سنگین و کارهای شبه پلیسی مواجه هستند، که نمی‌توانند هیچ گونه توجه ویژه و یا حتی برخورد منطقی در مقابل جرایم سازمان یافته برای حمایت از اقشار ضعیف جامعه اختصاص دهند، گاهی با وجود حس انسان دوستی این گونه مسایل ارجحیت و اهمیت کمتری می‌یابد. این در حالی است که پیامدهای زیانبار این نوع جرایم بر امنیت جوامع، سیاست و اقتصاد آنها و حتی اساس حکومت‌ها و بنیان‌های اخلاقی جوامع در جرایمی مانند توزیع مواد مخدر، قاچاق اسلحه و نشریات مبتذل بسیار فراتر از تاثیر اندک جرایم فردی است (فرجیها، ۲۰۰۲: ۵۹).

تحقیقات و مطالعات انجام گرفته در کشورهای انگلستان، کانادا، استرالیا و ایرلند همگی ضمن انتقاد از واکنش‌های پلیس نسبت به خشونت‌های خانگی بر این نکته اذعان دارند که این خشونت‌ها به عنوان یک جنایت واقعی و جرم کامل در نظر گرفته نمی‌شوند و غالباً تحت تاثیر چنین برداشت‌هایی، پلیس بی‌اعتنا از کنار آنها می‌گذرد. توجه کمبود و نقصان مداخله پلیس در اختلافات و

درگیری‌های خانوادگی آن است که این گونه روابط خصوصی تلقی می‌شود. علل مؤثر بر چگونگی اجرای قوانین کیفری را می‌توان موارد ذیل دانست:

۱- تعیین اولویت برای ماموریت‌های پلیس

تعداد نفرات و امکانات پلیس برای اجرای قوانین کیفری در همه جرایم و تخلفات کافی نیست. به همین خاطر، ماموران پلیس در هنگام اجرای قوانین کیفری مجبورند انتخابی عمل کنند، و قاعده «الا هم فی الاهم» را خواسته یا ناخواسته به کار گیرند و اولویت‌هایی را برای کار خود تعیین کنند. قدر مسلم آنست که جرایم خشن^۱ در مقایسه با جرائم سبک تهدید جدی‌تری برای جامعه به شمار می‌آید و از دید شهروندان دارای اهمیت بیشتری برای پیگیری توسط پلیس می‌باشد. مفهوم تقدم وارجحیت را می‌توان با یک مثال ساده نشان داد: هنگامی که در جامعه ای جنایت‌هایی رخ می‌دهد و شهروندان قربانی آن می‌شوند، تخلفات همزمان از تقدم و اهمیت کمتری برای پی‌گیری برخوردار خواهند بود. البته این به آن معنی نیست که پلیس نسبت به اجرای قوانین کیفری دارای اهمیت کمتر کاملاً بی‌تفاوت باشد و علی‌رغم داشتن نیرو و تجهیزات از اجرای این قوانین شانه خالی کند؛ بلکه مفهوم تقدم و ترجیح مربوط به زمانی است که ماموران پلیس نتوانند در یک زمان واحد، به همه جرایم رسیدگی کنند. به عبارتی مأمور پلیس در اجرای یک قانون با اهمیت بالا و یک قانون با اهمیت متوسط قرار گیرد.

۱- جرائمی از قبیل قتل، تجاوز به عنف، زورگیری و سرقت‌های مسلحانه از جمله جرائم خشن محسوب می‌گردند. وجه بارز این جرائم آن است که اکثراً عملیات علیه تمامیت جسمانی فرد صورت می‌گیرد.

اما سوالاتی که جا دارد مورد کنکاش و علت شناسی دقیق قرار بگیرد این است که:

- ۱- چه مشکلات و شرایط و مسایلی باعث اولویت بندی مسایل مورد رسیدگی از دیدگاه پلیس می شود؟
- ۲- آیا اولویت بندی مسائل به صورت اختیاری انجام می گیرد یا اجباری؟
- ۳- معیارها و شاخص های پلیس برای اولویت بندی چیست؟

۲. کمیت و کیفیت نیروی انسانی

پلیس به عنوان یک سازمان فعال و گسترده با دامنه وظایف و مأموریت های حساس با دو عامل مهم و حیاتی یعنی نیروی انسانی و منابع مادی اداره می شود. نیروی انسانی که عنصر تشکیل دهنده سازمان است عاملی است راهبردی با ابعاد گوناگون و پیچیده که دارای ویژگی های عاطفی و احساسی می باشد و منابع مادی را در اختیار می گیرد و در راستای اهدافش از آن استفاده می کند.

بر طبق آمارهای رسمی در کشورهای پیشرفته به ازای هر ۱۵۰ نفر یک مأمور پلیس وجود دارد، در حالی که در کشور های در حال توسعه به ازای هر ۳۵۰ نفر شهروند یک مأمور پلیس وجود دارد. با این همه آیا این تعداد مأمور پلیس در اجرای قوانین کیفری نقش دارند و آیا نقش هایی جدا از اجرای قوانین کیفری به پلیس واگذار نگردیده است؟ پاسخ این سوال منفی است زیرا در اکثر کشورها، پلیس علاوه بر وظایفی که در اجرای قوانین کیفری دارد، دارای وظایف دیگری هم می باشد که به طور خلاصه عبارتند از:

- ۱- نیروهای پلیس مشغول به کار در قسمت های ستادی که وظایف پشتیبانی

سایر نیروها را بر عهده دارند.

۲- نیروهای پلیس که در قسمت راهنمایی و رانندگی فعالیت می‌کنند، هر چند دارای وظایف اندکی در خصوص اجرای قوانین کیفری هستند به عنوان مثال صدور برگ جریمه، ولیکن آنچه که مد نظر ماست پلیس راهنمایی و رانندگی در اکثر کشورها دخالتی در اجرای قوانین کیفری ندارد، البته در برخی از کشورهای اروپایی از جمله کشور فنلاند، یکی از وظایف پلیس راهنمایی و رانندگی شناسایی رانندگانی است که در حال مستی اقدام به رانندگی کرده اند و تعیین درصد الکل و تشکیل پرونده رانندگی در حال مستی می‌باشد. (ایتزپل، ۱۳۸۲: ۵۳).

۳- پلیس ضد شورش که در برخی از کشورها با عنوان یگان‌های ویژه خدمت می‌کند و نقش پلیس مجری قوانین کیفری را به ندرت اجرا می‌کند. در کشوری مثل اسپانیا حتی فراتر از این، یک پلیس تخصصی برای مبارزه با اقدامات شورشیان و جدایی طلبان "باسک" به وجود آمده که کار تخصصی آن شناسایی و خنثی‌سازی اقدامات این گروه می‌باشد. (موریس پانچ، ۱۹۹۹: ۶۳).

پیامدهای کمبود نیروها در قسمت اجرای قوانین کیفری فراوان است که نمونه‌هایی از آنها عبارتند از:

- ۱- محول نمودن کارهای تخصصی اجرای قوانین کیفری به افرادی که در این زمینه آموزش لازم را ندیده و تخصص لازم را ندارند.
- ۲- اجرای گزینشی و انتخابی قوانین کیفری و توجه به رویکرد اجرای ناقص قوانین کیفری.

۳- شدت جرم

ماموران پلیس بنا به شرایط، گاهی اعتقاد دارند که یک جرم آن قدر اهمیت ندارد که وقت و هزینه پلیس برای پیگیری آن به کار گرفته شود، به خصوص جرایمی از قبیل خشونت‌های خانگی که اغلب به گذشت شاکی و پس گرفتن شکایت منتهی می‌گردد. همان گونه که قبلاً اشاره کردیم این امر، پلیس را به این اعتقاد سوق می‌دهد که این گونه جرایم از لحاظ تعقیب و پیگیری دارای اهمیت نیستند و یا اینکه اهمیت آنها نسبت به سایر جرایمی که در حوزه استحفاظی او رخ داده، کمتر است (رابرگ، ۱۹۷۸: ۳۳۶) برای مثال پلیس تشخیص می‌دهد که سرقت یک ماشین مدل بالا از سرقت یک موتور سیکلت یا یک درگیری خیابانی جزئی با اهمیت‌تر است و در صورت وقوع همزمان، او نخست باید با سارق اتومبیل مقابله کند. اما سوال اساسی اینجاست که چه معیارها و ملاک‌هایی تعیین می‌کنند که شدت یک جرم به چه اندازه است. در این زمینه عوامل متعددی قابل ذکر هستند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- اهمیت ذاتی جرم: همان گونه که قبلاً در قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴، جرایم به سه دسته جنایت، جنحه و خلاف تقسیم شده بودند برخی از جرایم ذاتاً دارای اهمیت زیادی می‌باشند مانند قتل عمد و زنای به عنف و سرقت مسلحانه و راهزنی و... که در همه زمان‌ها و در همه کشورها دارای عکس‌العمل شدید از طرف جامعه بوده‌اند.
- حساسیت شهروندان: گاهی اوقات جامعه و شهروندان نسبت به وقوع یک جرم دارای حساسیت ویژه‌ای می‌باشند.

به توجه به این، ماموران پلیس هم رسیدگی به این گونه جرایم را در اولویت

قرار می‌دهند؛ به عنوان مثال استفاده از مشروبات الکلی و بد مستی در خیابان‌ها باعث می‌شود مردم احساس امنیت خود را از دست بدهند و سریعاً این گونه موارد را به قسمت‌های مختلف منعکس نمایند (عزیزی، سودابه، ۱۳۸۵: ۴۲). بنابراین پلیس مجبور است رسیدگی به این گونه جرایم را در اولویت قرار دهد.

۴- منافع جرم برای پلیس:

گاهی پلیس در رسیدگی و اجرای قوانین کیفری به منافع حاصل از جرم توجه دارد. در این گونه مواقع یک مأمور پلیس در ذهن خود می‌اندیشد که آیا رسیدگی سریع و اجرای دقیق این قانون از جهات گوناگون می‌تواند منافی برای او داشته باشد یا خیر؟

۵- تاثیر رسانه‌های گروهی:

گاهی سازمان پلیس برای پیگیری و کشف یک جرم و یا انجام یک وظیفه تحت فشار رسانه‌های گروهی اعم از روزنامه‌ها، صدا و سیما و... قرار می‌گیرد و همه نیرو و استعداد خود را صرف حل آن مسئله و اجرای آن قانون کیفری به نحو صحیح می‌نماید؛ برای مثال در قتل یک زن در شهری بزرگ، پلیس طبق روال عادی خود به آن رسیدگی می‌کند، اما وقتی چند زن با شیوه‌ای مشابه به قتل می‌رسند و رسانه‌های گروهی هم پیگیر ماجرا می‌شوند و قتل‌ها را به عنوان قتل‌های سریالی قلمداد می‌کنند، در این صورت شهروندان احساس ناامنی می‌کنند و در نتیجه فشار مقامات سیاسی، مسوولان پلیس تمام نیروها و امکانات

خود را برای شناسایی عاملین این حوادث درگیر می‌کنند.^۱ همچنین هنگامی که رسانه‌های گروهی نسبت به موضوع خاصی حساسیت نشان می‌دهند، فرماندهان پلیس سعی می‌کنند کلیه کاستی‌ها و کمبودهای آن قسمت را حتی به صورت موقت برطرف کرده و آماده پاسخگویی به شهروندان باشند.

از طرف دیگر غالباً اتفاق می‌افتد که اعمال خشونت پلیس علیه شهروندان جهت اجرای قوانین کیفری توسط رسانه‌های گروهی منعکس می‌شود و اعتراضات شدیدی را علیه اداره پلیس و ماموران پلیس برمی‌انگیزد به گونه‌ای که گاهی منجر به شورش‌های دسته جمعی اقلیت‌ها و آشوب‌های خیابانی می‌شود.^۲

۶- میزان ضرر و زیان بزه دیده یا ارزش جرم

اسناد و مدارک به دست آمده در مطالعات ویژه از تاثیر میزان ضرر و زیان بزه دیده در تصمیم‌گیری‌های اجرای قوانین کیفری یا عدم اجرای آنها حکایت دارد. در این تحقیقات ۴۸ درصد از ماموران پلیس اظهار داشتند که آنها ضرر و زیان بزه دیده را در تصمیم‌گیری‌هایشان برای دستگیری و بازداشت دخالت نمی‌دهند، اما عده دیگر به صراحت اظهار داشتند که ضرر و زیان قربانی می‌تواند بررسی

۱- برای مثال در سال ۲۰۰۳ میلادی در آمریکا اقدامات یک قاتل زنجیره ای تک تیرانداز که هر چند روز یک نفر را هدف قرار می‌داد و دستگیر نمی‌شد حتی رئیس‌جمهور این کشور را هم به واکنش واداشت و در اظهار نظری جالب عنوان کرد که از دست این قاتل سردرد گرفته است.

۲- با توجه به گسترش فناوری‌های نوین در جامعه و دسترسی اکثریت شهروندان به این وسایل مانند گوشی‌های تلفن همراه که دارای دوربین‌های فیلمبرداری و عکاسی هستند، کوچک‌ترین خشونت پلیس در صحنه جامعه ضبط شده و از طریق سایت‌های اینترنتی به سرعت در کل کشور و جهان پخش می‌شوند.

مورد را در درجه اول اهمیت قرار دهد، یا اینکه رسیدگی به آن را به تاخیر بیاورد. به استناد یک تحقیق انجام گرفته توسط سازمان پلیس غرب آمریکا، مشخص شده که ارتباط مستقیمی بین مقدار و میزان ارزش دارایی گم شده و یا به سرقت رفته در حوزه جرایم مالی و میزان تلاش‌های تحقیقی به کار گرفته شده وجود دارد.

۷- پایگاه اجتماعی بزه‌کار و بزه‌دیده و پلیس

تاثیر وضعیت نیروهای پلیس از جمله میزان تحصیلات و درآمد و فرهنگ و همچنین وضعیت طرفین جرم در چگونگی پیشبرد روند رسیدگی و تعقیب جرایم و اجرای عدالت انکارناپذیر است. هنگامی که سوابق زندگی و تحصیلی افراد پلیس با جامعه‌ای که در آن خدمت می‌کنند مشترک باشد، ماموران پلیس و شهروندان یکدیگر را بهتر درک می‌کنند و از این رهگذر دستیابی به روابط خوب اجتماعی برای پلیس نسبتاً ساده و آسان خواهد بود. اما در صورتی که اکثر شهروندان در مقایسه با افراد پلیس، تحصیلات بالاتری داشته باشند و یا میزان درآمدشان چندین برابر ماموران پلیس باشد، در آن جامعه حفظ احترام و کسب اعتماد برای ماموران پلیس ممکن است مستلزم تلاش ویژه‌ای باشد. از طرف دیگر در شکل‌گیری پایگاه اجتماعی یک شخص معیارهای مختلفی می‌توانند دخالت داشته باشند که شناخته شده‌ترین آنها عبارتند از:

۷-۱ وضعیت اقتصادی

در وضعیت اقتصادی هر سه ضلع مثلث پلیس، بزه‌دیده و متهم مد نظر است.

گزارش جرم و اعلام شکایت وقتی از طرف بزده دیده ای با وضعیت اقتصادی قدرتمند مطرح می‌گردد، مسلماً وضعیت رسیدگی به این شکایت در مقایسه با بزده دیده ای که از قشر ضعیف جامعه است متفاوت خواهد بود. وضعیت اقتصادی متهم نیز در میزان تلاش او برای ایجاد مانع در مسیر اجرای صحیح قوانین کیفری نمایان می‌گردد. وضعیت اقتصادی پلیس با توجه به شرایط حاکم بر سازمان‌های پلیسی که در اکثر کشورها دارای مشکلات معیشتی هستند، بحث‌های زیادی را در خصوص ظهور فساد در سازمان‌های پلیس به وجود می‌آورد که خارج از موضوع بحث ما است.

۷-۲. وضعیت اجتماعی^۱

مجموعه اوضاع و احوال و شرایطی است که موقعیت شخصی رادر میان شهروندان دیگر از جنبه‌های گوناگون مورد توجه قرار می‌دهد و نقش او را در اجتماع تعریف می‌کند و عوامل مهمی از جمله آداب و رسوم و مراسم‌ها و.... در آن دخالت دارند.

۷-۳. قومیت و نژاد و ملیت^۲

از مولفه‌های تاثیرگذار در اجرای قوانین کیفری به ویژه در کشورهای غربی است که دارای اقلیت‌های قومی و نژادی و دینی و رنگین پوستان می‌باشند و نمونه

1 - Social Position

2- Nationality

بارز آن خشونت علیه سیاه پوستان و در کل رنگین پوستان در آمریکا می باشد^۱.

۴-۷. جنسیت^۲

در اکثر کشورهای پیشرفته، پلیس زن به تعداد کافی وجود دارد تا در موقعیت‌هایی که نیاز است اجرای قوانین در مورد زنان را به کار بگیرد با وجود این در کشورهایی که اکثر کارکنان پلیس را مردان تشکیل می‌دهند هنوز مشکلاتی در این زمینه وجود دارد.

نتیجه گیری:

سازمان پلیس یک سازمان با حوزه وظایف گسترده و متنوع است که نیروی انسانی قسمت عمده آن را تشکیل می‌دهد. این شرایط و تنوع وظایف، باعث می‌شود که فرهنگ حاکم بر سازمان پلیس به عنوان خرده فرهنگ پلیسی تعریف گردد. از آنجا که اجرای تمام ماموریت‌ها و وظایف سازمان پلیس توسط نیروی انسانی انجام می‌گیرد، چگونگی اجرای قوانین هم به طور مستقیم تحت تاثیر این خرده فرهنگ قرار می‌گیرد؛ از همین روی شناسایی این خرده فرهنگ به صورت کامل و صحیح و هدایت آن در جهت بهبود روش‌های اجرای قوانین کیفری یکی از مواردی است که باید به عنوان یک هدف و برنامه مورد توجه و نظر برنامه‌ریزان و مسئولان سازمان پلیس قرار گرفته و هر چه سریع‌تر به شیوه صحیح در جهت اصلاح آن اقدامات لازم صورت گیرد. از طرف دیگر وقتی که

۱ - گواه این مطلب شادی و خوشحالی و برگزاری جشن توسط سیاه پوستان آمریکا پس از انتخاب باراک اوباما در انتخابات سال ۲۰۰۸ است که امیدوار بودند با رسیدن یک فرد سیاه پوست به ریاست جمهوری تبعیضات علیه این قشر در جامعه آمریکا کمتر گردد.

مجموعه وظایف و ماموریت‌های حساس و مهم محول شده به یک سازمان بیش از میزان نیروی انسانی و ظرفیت‌های آن سازمان در انجام این وظایف و ماموریت‌ها باشد و همچنین ماموران این سازمان در جهت اجرای تک تک این قوانین کیفری تحت فشار از طرف خود سازمان و شهروندان باشند، در این هنگام ماموران آن سازمان، با توجه به وضعیت جامعه و نوع قوانین کیفری و ماموریت‌ها و وظایف محوله به طور ناخودآگاه اقدام به اولویت بندی آن وظایف در هنگام عمل و در صحنه اجرا خواهد کرد و اجرای آن دسته از قوانین کیفری را که از نظر آنان در درجه اهمیت و ضرورت بالایی قرار دارد در اولویت قرار خواهند داد. این اولویت بندی به ظهور شیوه جدیدی در صحنه اجرای قوانین کیفری توسط پلیس تحت عنوان اجرای گزینشی یا انتخابی منجر می گردد.

منابع

- ۱- انتشارات اینترنتی، (۱۳۸۲)، آشنایی با کشور فنلاند، جلد اول.
- ۲- رابرت ترویانویچ، بانی باکوروکس (۱۳۸۳): پلیس جامعه محور، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا، انتشارات فرات.
- ۳- نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید (۱۳۷۷). دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۴- عزیزی، سودابه، (۱۳۸۵). تاثیر رسانه های جمعی بر امنیت اجتماعی با تکیه بر عملکرد پلیس، مجتمع آموزش عالی کوثر، دانشگاه علوم انتظامی.

- ۵- معظمی، شهلا (۱۳۸۴). جرم سازمان یافته و راهکارهای جهانی مقابله با آن، انتشارات دادگستر.
- ۶- کارن ام، هس؛ لیندا اس، میلر (۱۳۸۲). پلیس در اجتماع، ترجمه محمد رضا کلهر، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- ۷- راوندی، مرتضی (۱۳۶۸). سیر قانون و دادگستری در ایران، نشر چشمه.
- ۸- قاسم پور، ابوالقاسم (۱۳۸۱). ضابطین قوه قضائیه و نقش آنها در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، انتشارات افق امید
- ۹- وروایی، اکبر، (۱۳۸۴). پلیس جامعه محور، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

منابع انگلیسی

- 1- Bakli, ale an, privacy situation in law enforcement, professional police magazine, FBI police publication, , united states, 2004.
- 2- Farajiha, Mohammad, police protection to victims of crime, deep and deep publication, India, 2002
- 3- Fincknauer, James, laws, rules, and police policy, police and law Enfoncement magazine, FBI Police publication, united 2004.
- 4- Goldstein, Joseph, The criminal justice system, police and Policies, "police discretion not to invoke the criminal process Wads wroth publication, eight edition, Canada, 2002.
- 5- Mastrofski, Stephen, and worden Robert, law enforcement in a time of community policing, Beverly Hills publication, English November 1995.
- 6- Maurice Punch, Police corruption and its prevention, European Journal on Criminal Policy and Research Council of Europe. Printed in the Netherlands.2000.
- 7- Ruberg R .An analysis of the relationship among higher education, belief systems and job performance of patrol officers, FBI police publication,1978.